



تأثیر قصه گفتن مادر برای کودک / قصه بهترین راه انتقال مفاهیم ارزشی به کودک

مادر می تواند مفاهیمی چون عدالت، حق دوستی، تفکر، ایمان، ادراک، اخلاق، استقامت، پیشرفت و دیگر مفاهیم ارزشی ...

مادر می تواند مفاهیمی چون عدالت، حق دوستی، تفکر، ایمان، ادراک، اخلاق، استقامت، پیشرفت و دیگر مفاهیم ارزشی را از راه داستان به کودک خود منتقل کند. به گزارش خبرگزاری مهر، قصه گفتن های مادر برای کودک بسیار جالب و گیرا است به طوری که حاضر است از بازی خود صرف نظر کند و بدان گوش فرا دهد. به هنگامی که مادر برای کودک قصه می گوید او تمام گوش است آنچنان به آن دلبسته است که همه چیز را فراموش می کند. مادر در ضمن قصه گفتن نکته ها به کودک می آموزد و پایه های ایمانی و اخلاقی محکمی را در او استوار ساخته و در ساختن و سازمان دادن او، در ایجاد زمینه هایی چون استقامت، عظمت جویی و... بسیار موثر است.

قصه ها جان و روان آدمی را تحت تاثیر قرار داده و در دل آدمی می نشیند و اثرش پایدار می شود، احساسات و عواطف را کاملا تحت الشعاع قرار داده و کودک را با موقعیت شخصیت های داستان همانند می سازد.

علت تاثیر داستان از این بابت است که در کودک حالت قهرمان جویی و همانندی است. شخصیت های شگفت انگیز داستان او را به سوی خود بر می انگیزانند و کودک می کوشد خود را مانند آنها کند. از سوی دیگر وجدان آدمی در داستان ها مشارکت می کند و با مراحلی که در قصه هاست یک به یک همراه می شود و نتیجه می گیرد که داستان به صورت یک واقعیت ملموس پذیرفته شده و در ذهن راسخ می گردد. تاثیر دیگر داستان این است که غیر مستقیم خواسته ها و امیال کودک را نشان می دهد و طفل با شنیدن آن تا حدودی اقناع و ارشاد شده و یا دلیلی برای ادامه یا ترک تمایلاتش پیدا می کند.

از طریق قصه می توان به پرورش جان و روان کودک پرداخت و جنبه های متناقضی که در ذهن او وجود دارد از میان برد. مفاهیمی چون عدالت، حق دوستی، تفکر، ایمان، ادراک، اخلاق، استقامت، زیباجویی، زیبا کردن زندگی، رسوا جلوه دادن کار زشت، انحطاط، ترقی و پیشرفت و... همه و همه از راه داستان امکان پذیر است.

از طریق داستان می توان فضائل اخلاقی را در فرد استوار ساخت، احساسات را رنگ داد و آدمی را نسبت به امری حساس یا بی تفاوت کرد. قصه نقاط ضعف و قدرت آدمی را به انسان نشان می دهد و زمینه را برای تمرین، کسب تجارب، جبران ضعف، تقویت جنبه های مورد نظر فراهم می سازد.

البته داستان ها می توانند به جای سازندگی ویرانگری داشته باشند. فی المثل اگر مغز را از افسانه های بی حساب و بی نتیجه پر کنیم و به جای ریختن مسائل ارزنده آن را با بوجی و بیهودگی رنگ دهیم پیداست که چه زبانی متوجه کودک کرده ایم. مغز کودک مخزنی قیمتی و گرانبه است و باید چیزی قیمتی در آن گذارد. داستانهایی که جنبه تخیلی دارند سازنده اند، ولی اگر خیالبافی از حد معینی بگذرد کودک را از واقع بینی دور می دارد، او شخصیت های خیالی را واقعی پنداشته و بدنبال پیاده کردن آن در جهان خارج می افتد و در آن صورت است که کارش به بیهودگی می کشد.

نوع انتخاب کردن داستان

نظر به اهمیت و تاثیر فوق العاده داستان، مادر باید نوع مطلوب را برای بیان کردن و گفتن به کودک انتخاب کند. اما چه داستان هایی را انتخاب نماید؟ این بستگی دارد به آنکه مادر در بیان داستان چه هدفی دارد. شک نیست که داستان های جن و پری، آدم جنگلی، دیو مخوف، و از این قبیل باید دور افکنده شود. منظور این نیست که بگوئیم جن وجود ندارد، بلکه می گوئیم آنچه که برای کودک باید انتخاب شود از این نوع مناسب نیست. قصه های ترس آور موجب ترس های خطرناک در کودک می شود.

داستانها باید تصاویری از حق و باطل را نشان دهند و در آن پیروزیها اغلب از سوی حق باشد و روح امید را در کودک زنده نگه داد. همچنین داستانها باید روح ابتکار را در کودک تقویت کند و جنبه های خصمانه و کینه توزانه را در او بکشد و یا تضعیف کند، درس اخلاق بدهد و راه و روش انسانیت به او بیاموزد.

برای کودکانی که ترسو هستند بهتر است از داستانهای قهرمانان و شجاعان صحبت شود و برای آنها که اشتباهاتی دارند داستان های

دیگری برای کوباندن آن روحیه ها. در همه حال قصه ها به تناسب مورد نظر بوده و دارای جنبه آموزندگی اصلاحی باشد.

برای اطفال داستانهای غم انگیز نقل نشود، زیرا روح آنان را افسرده می سازد و بعدها ممکن است حالت قساوت را در آنان تقویت و یا ایجاد نماید. داستان باید روح اعتماد و اطمینان را در کودکان زنده کنند باید جنبه ارشادی داشته باشد و موجب تحول و حرکتی در کودک شود نه آنکه عقلش را تخدیر کند و ذهن وهوش او را برباید.

قصه ها باید دارای نتایجی باشند و در این نتایج هدف های مهم تربیتی خلاصه شود. مثلا داستان باید نشان دهد خیانت بد است و عواقب نادرستی دارد. نتیجه داستان باید به گونه ای باشد که فرد را آگاهانه یا ناخود آگاه به واقع و حقایق امر نزدیک سازد. زمان قصه گویی در تاثیر آن دخالت دارد. بهتر است داستان ها به هنگام خواب کودکان و به موقعی که در رختخواب و آماده خوابیدن است گفته شود و ذکر آن نوعی لالائی برای طفل باشد.